

# سخن سردبیر

## آرمان آرین



ویسپوبیش، سال ۲، شماره ۱۱

### «به نام یکتاخدایِ درخشنده‌ترین»

دوستان نازنینم:

پس از قتل عام و نسل‌کشی حکومت علیه مردم در ایران، که در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ رخ داد و تبعات وحشیانه‌اش همچنان در سرزمین ما و به دست عمّال حکومت و دولت جمهوری اسلامی ادامه دارد، ما اهالی ادبیات و هنر کودک و نوجوان در چندین بیانیه، نشان دادیم که در کنار ایران عزیز و مردم مظلوم مان هستیم. آخرین این بیانیه‌ها، متنی است که در ادامه خواهد آمد و به امضاء گروهی از اهالی فرهنگ و ادب کودک و نوجوان ایران و جهان نیز رسیده است.

لازم دانستیم که این بیانیه را در اینجا – واپسین شماره ویسپوبیش در ۱ اسفند ماه از سال پرتلاطم ۱۴۰۴ – ثبت کنیم تا در پیشگاه خداوندگار یگانه بر تنه‌ی درخت ویسپوبیش و سیمرغش به یادگار از این روزهای تیره و تار حک شود؛ تا در آن روزی که آفتاب دهش دردمید و به پشت‌سرمان و راه هولناک آمده نگرستیم، یادمان نرود که چه جان‌های شیرینی را از دست دادیم، چه سختی‌ها کشیدیم و چه دشوار به آن بامداد آزادی و آبادی در ایران مقدس مان دست یافتیم...

## متن بیانیه:

«در ایران، نسلی از کودکان و نوجوانان در دل تاریکی قدم برمی‌دارند؛ با دستانی تُهی و قلب‌هایی که هنوز طعم ترس و امید را از هم بازنمی‌شناسد. آن‌ها جز حقوق ساده و جهان‌شمول هر انسان، چیزی نمی‌طلبند: امنیت، آموزش، رؤیا و فرصت رشد... اما پاسخ‌شان گلوله است و نام‌های نورسته‌شان پیش از آن‌که مجال ادامه یافتن به داستان زندگی را بیابد، به سوگ‌نامه‌ای بدل می‌شود.

در پس پرده‌ی خاموشی اینترنت، در غیبت دوربین‌ها و در سکوتی که به‌عمد بر سرزمین‌شان تحمیل شده؛ گویی قاتلان آنان فکر می‌کنند که نبود شاهد می‌تواند از سنگینی آن مرگ‌ها بکاهد.

ما هنرمندان عرصه‌ی کودک و نوجوان از سراسر ایران و جهان، که با جوهر قلم‌ها و نور و رنگ‌هامان، جان قصه‌ها را روایت می‌کنیم، بر حقیقتی استواریم کهن‌تر از هر مرز و قانون: ما باور داریم که زندگی یک کودک، آینده‌ی سراسر جهان است. وقتی کودکی در تهران، تبریز یا زاهدان بر خاک می‌غلطد، نقشه‌ی انسانیّت در همه‌ی زمین ترک می‌خورد. اینجاست که هیچ فاصله‌ای، زبانی، مرزی نمی‌تواند سکوت را تیرئه کند.

پنج دهه است که با حاکمیت خونین جمهوری اسلامی در ایران، کودکان و نوجوانان ایرانی جایی میان بیم و آرزو زیسته‌اند، اما همان‌ها امروز ایستاده‌اند و آینده‌ای را که بر پایه‌ی هراس ساخته شود، نمی‌پذیرند. آنان می‌بایست زیر سایه‌ی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (که اتفاقاً واضع آغازین آن، کوروش بزرگ از سرزمین ایران بود) و کُنوانسیون حقوق کودک، در پناه عدالتی جهان‌شمول می‌بودند اما این اسناد برای حاکمان ایران، همچو کاغذپاره‌هایی در تُن‌بادند.

جهان این صحنه‌ها را آرام و دیر، تماشا می‌کند. سازمان‌های فرهنگی، نهادهای بین‌المللی و دولت‌های بی‌شمار روی برگردانده‌اند و به خون غلتیدن کودکان و نوجوانان را نظاره می‌کنند.

اما امروز، ما همکارانمان را فرا می‌خوانیم — داستان‌پردازان، شاعران، تصویرگران، مترجمان، کتابداران، نویسندگان، ناشران و مربیان ادبیات کودک و نوجوان از هر گوشه‌ی جهان — که بر این نسل‌کشی ویرانگر، که با گستره و خشونت تکان‌دهنده‌اش در تاریخ بشر کمیاب است، چشم فرو نیندند.

تا امروز نام ده‌ها هزار از قربانیان این قتل‌عام مشخص شده از جمله تا این لحظه بیش از ۲۳۰ کودک و نوجوان که همگی توسط جمهوری اسلامی فقط در دو روز اصلی قیام کشته شده‌اند!

ما از تمام کسانی که پایبند به پیمان پاسداری از کودکان هستند، می‌خواهیم با صدایی رسا و بی‌لرزش نام این کودکان و نوجوانان را فریاد برکشند تا در سرتاسر زبان‌ها جریان یابند. نگذارید سانسور و خاموشی حاکم بر ایران، روشنایی وجود و دست‌های کوچک آنان را در دل خاک مدفون سازد. بگذارید این نورستگان، این‌بار از همان‌جایی آغاز شوند که حکومت سفاک، می‌خواست حکایت‌های‌شان ناتمام بماند...

و ما این بیانیه را تنها به‌نام حرفه‌مان نمی‌نویسیم، بلکه ما پاسداران قلمروی خیال‌ایم. می‌دانیم کودکی که جهانش فرو ریخت، فردا را نقاشی نخواهد کرد؛ نوجوانی که در آسمانی بی‌عدالت قد کشید، به وعده‌های قصه‌های ما در وصف دادگری، دل نخواهد بست؛ و سرزمینی که کودکان خود را قربانی کرد، پُلِ پیوستنِ خویش به آینده‌ی را، خود ویران ساخته است.

ما از وجدان‌های آزاد جهان می‌خواهیم تا در کنار کودکان و نوجوانان مظلوم ایران بایستند. نام‌هایشان را بر زبان آورند، داستان‌های‌شان را بازگو کنند، آسودگی فراموشی را بر خود حرام سازند و ایران را، تا روزی که کودکانش در خطرند، در حافظه‌ی جهان در هر صبحگاهش بخاطر داشته باشند.»

۶۲ نویسنده، تصویرگر، مترجم و فعال  
ادبیات و هنر کودک و نوجوان ایران و ۱۷ کشور دیگر جهان  
زمستان ۱۴۰۴ / ۲۰۲۶